

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران مورد مطالعه : بخش کرفتو شهرستان دیواندره

محمد صادق علیائی^۱، دکتر مسعود مهدوی^۲، نوشین ایل بیگی^۳

چکیده

از آنجا سیاستهای توسعه در طول سالها در کشور ما فاقد نگرشها و دیدگاههای فکری مبتنی بر شرایط توسعه روستایی در کشور بوده است. در واقع نبود این شالوده فکری و رویکرد عملی، مشکلات زیادی را در پیشبرد بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی کشور ایجاد کرده، به طوری که باعث گسیختگی نقاط شهری و روستایی از یکدیگر گشته و آنها را با مسائل و مشکلاتی مواجه نموده است. از جمله این مسائل می‌توان به افزایش بی رویه جمعیت، عدم توجه ملی به ساختار فضایی مناطق روستایی، بهره‌برداری دهقانی، غیر اقتصادی بودن فعالتهای روستایی، انزوایی جغرافیایی، ضعف شبکه ارتباطی، بی‌توجهی به توان وامکانات تولیدی نواحی روستایی و همچنین نیروی انسانی پرتوان و یا عدم دخالت و مشارکت مردم در سیاستهای برنامه ریزی اشاره کرد. در این مقاله ضمن بررسی عواملی که باعث توسعه نیافتگی روستایی می‌گردد در عین حال در این پژوهش با یک پرسش اساسی روبرو بودیم که یافتن پاسخ آنها می‌تواند در این زمینه رهگشا باشد. این سؤال عبارت است از:

آیابین عوامل اجتماعی باتوسعه نیافتگی روستایی رابطه ای برقرار است؟

برای یافتن پاسخ و آزمون این سؤال که به عنوان فرضیه تحقیق نیز مطرح بوده است، داده های مورد نیاز از طریق اسنادی و روش پیمایشی گردآوری فراهم آمد و همچنین از تکنیک مصاحبه حضوری نیز استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها به روش توصیفی و آماری انجام گردید. نتایج یافته ها بیانگر آن است که بین عوامل اجتماعی با توسعه نیافتگی یک رابطه مستقیمی وجود دارد.

کلید واژه: کرفتو - توسعه نیافتگی روستایی - موانع توسعه یافتگی روستایی - عوامل اجتماعی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۳

۱- دانش آموخته دکترای تخصصی جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (نویسنده عهده دار مکاتبات)

Msoliaei@gmail.com

۲- استاد دانشگاه تهران

۳- دانش آموخته کلرشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه

بررسی علمی روستاها اگرچه به عنوان زمینه‌ای تحقیقاتی از دیرباز مورد توجه بوده، تنها در دهه‌های اخیر مورد مذاقه خاص قرار گرفته است (سعیدی، ۱۳۸۴؛ ص ۱) و در ارتباط با آن بحثها و نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح گردیده است، زیرا رشد و توسعه بسیاری از کشورها در گرو ساماندهی عرصه‌های روستایی است. لذا به همین جهت هر اندیشمند و صاحب‌نظری متناسب با بافت فکری و مطالعاتی خویش بحثی را در این زمینه مطرح ساخته است. پیرامون همین مباحث در کشورهای توسعه یافته با کشف قانونمندیهای اساسی علم و زمین جغرافیا از سوی صاحب‌نظران و بکارگیری این قانونمندیها، به نیازهای اساسی و نوین خویش سروسامان بخشیده‌اند. این جوامع در راستای حرکت مورد بحث امکانات تأمین توأمان نیازهای تداوم حیات و افزایش رفاه را نیز به دست آورده‌اند (جوادی زارع، ۱۳۷۶، ص ۲). اما در جوامع در حال توسعه بدون در نظر گرفتن شرایط کشورشان همان مفاهیم رایج و الگوهای توسعه کشورهای توسعه یافته را در کشور خود به کار برده‌اند و در این میان دچار مشکلات بسیار اساسی، بالاخص در برنامه‌ریزی روستایی و تداوم و نقش بخشیدن به آن گردیده‌اند (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲، ص ۵).

به طوری که این کشورها دارای شهرهای بزرگ و بی‌قواره‌ای شده‌اند که چون پمپی مکنده عمل نموده که علاوه بر سرمایه‌ها و ثروتها - نیروی انسانی را نیز به سوی خود می‌کشند و بر پیکر نحیف اقتصاد بیمارگونه این کشورها سنگینی می‌کنند، این دنباله روی و پیروی بی‌قید و شرط و کورکورانه از کشورهای الگو باعث شده است که اینان هویت خویش را نیز فراموش کنند (افتخاریان مهابادی، ۱۳۷۳، ص ۲).

در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سوم از دهه ۱۳۴۰ جامعه روستایی دچار تحولات زیادی شد و به روستاییان وعده زندگی بهتر داده شده و یا بهتر است بگوییم به روستاییان القای نیازهای گوناگون نمودند. هرچند این القانات مثبت بود، ولی همزمان با آن خدماتی انجام نشد و وضعیت نامطلوب فقر روستایی به وجود آمد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸) و حتی «هیات عملیات عمرانی آمریکا در ایران» یعنی اصل چهار، در جهت توسعه و عمران روستاها صورت گرفت که کمترین قرین توفیق بودند و استراتژیهای توسعه روستایی مواجه با برخی ناکامیها و پیامدهای منفی بوده است (طالب، ۱۳۸۴، صص ۲۷۶ - ۲۷۹).

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران.....۱۰۹

به هر حال امروزه تغییر راهبردهای اساسی در توسعه احساس می‌شود آن نیز اشتباهات گذشته است، زیرا توسعه‌ای که باعث بهبود شرایط زندگی همه مردم مخصوصاً اکثریت فقیر جامعه نمی‌شود، نمی‌توان یک توسعه واقعی دانست، باید توجه بیشتری به مناطق و مردمی مبذول داشت که در راهبردهای توسعه قبلی نادیده انگاشته شده یا تماماً کنار گذاشته شده‌اند از طرفی نیز در توسعه واقعی مفهومی پیچیده‌تر و جامع‌تر از نظریه «نیازهای اساسی» وجود دارد که آن مفهوم «کیفیت زندگی» است و این مفهوم هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی پیش از نیازهای اساسی است که باید در جامعه روستایی مهیا سازیم (دیاس، ۱۹۸۳، صص ۴۱-۶۹).

توسعه باید به بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای شأن و استعداد آنها به عنوان انسان نظر داشته باشد. فرایند توسعه تنها با همکاری و تعهد آنها عملی می‌شود و برای به دست آوردن و حفظ توسعه سه چیز لازم است: ۱- سیاست توسعه باید با نیازهای مردم، آن گونه که خود آنها تشخیص می‌دهند، رابطه مستقیم داشته باشد. ۲- آنها باید برای مشارکت در تدوین و اجرای این سیاست، به طور کامل و فعالانه ترغیب و توانا شوند ۳- دستاوردهای حاصله باید در قالب بهبود بلافصل و محسوس شرایط زندگی آنها انعکاس یابند (باتملی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵).

متأسفانه علیرغم اینکه یک تجربه تلخ توسعه روستایی در دهه چهل را تجربه کردیم بعد از انقلاب اسلامی (سال ۵۷) نیز علیرغم حرکت‌های عمرانی در جهت توسعه کشور به دلیل فقدان نگرش مشخص برای توسعه، نامشخص بودن استراتژی توسعه، فقدان برنامه‌های هماهنگ تعداد نهادها تصمیم گیرنده، عدم انطباق بسیاری از فعالیتها و برنامه‌ها با نیازهای جامعه روستایی، بدانگونه که باید دولت نیازهای جامعه روستایی را پاسخگو نبوده است و از طرفی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور فصل خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است، فقط در حاشیه برنامه‌های توسعه شهری و کشاورزی و صنعتی به آن اشاره شده است، در واقع در طول چند دهه اخیر راهبرد حاکم بر برنامه‌ریزیهای ملی راهبرد بخشی بوده است، این راهبرد و عدم وجود هماهنگی بین بخشها و نهادها باعث تشدید مشکلات روستاییان شده است، علاوه بر آن نوع زندگی مردم که عموماً مبتنی بر نظام سنتی است، قبول برخی از نوآوریها را مشکل کرده است (سلیمانی تبار، ۱۳۸۲، ص ۶).

توسعه روستایی به عنوان زیر مجموعه‌ای از توسعه ملی است، «توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق

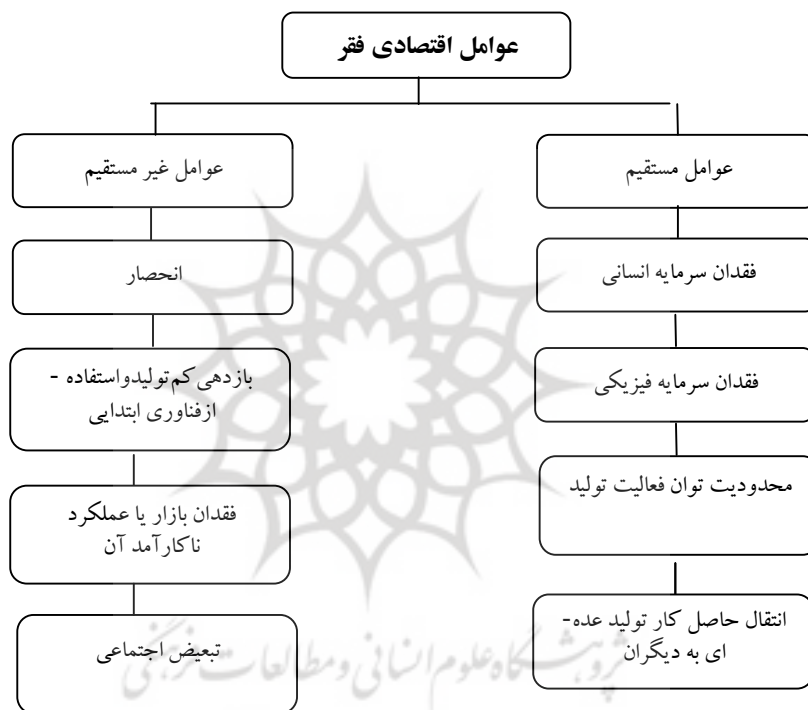
روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسانی مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری قادر می‌سازد. ناتوانیهایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته است» (میسرا، ۱۳۶۶، ص ۶).

توسعه نیافتگی روستایی و دیدگاه‌های نظری مربوط به آن

باتوجه به اهمیت و جایگاهی که روستا در ایران دارد، و به دلیل اهمیت این موضوع پنج برنامه پیش از انقلاب و چهار برنامه تا حال حاضر بعد از انقلاب جهت توسعه روستایی تدوین و اجرا شده است. متأسفانه هنوز بخشهای مختلف اقتصادی کشور نتوانسته است در زمینه برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی موجبات توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی را در محدوده هدفهای خود فراهم سازد (شریف زادگان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴). علت این امر را بعضی از محققین سیاست یک سونگری یعنی توجه به خدمات روستایی در قالب تأمین رفاه، روستاییان به کارکرد سکونتی بدون توجه یا کم توجهی به کارکرد اقتصادی - تولیدی روستاها دانسته‌اند (مولایی هنجین، ۱۳۸۶، ص ۵۱) در واقع برنامه - ریزان از کارکرد اقتصادی آن غافل مانده‌اند و بعضی نیز عدم موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی در ایران را بخشی بودن برنامه‌ها و متمرکز بودن برنامه‌ها و روند بالا به پایین برنامه‌ها و عدم رعایت اصول صحیح برنامه‌های دانسته‌اند که موجب گردید برنامه‌های توسعه روستایی نتواند جایگاه خود را پیدا کند (رضایی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) و یا اینکه الگوهای بکارگرفته برای توسعه روستایی به دلیل عدم سنخیت با ساختار سیاسی، اجتماعی روستاهای ایران و همچنین عدم شناخت و تحقیق کافی برنامه - ریزان نسبت به جامعه روستایی کشور، موجب نابسامانی‌ها و ناکارآمدی توسعه روستایی گردیده است (راسخی، ۱۳۸۲، ص ۳۰) بنابراین دیدگاه‌های که در مباحث توسعه مطرح است و در توسعه روستایی نیز می‌تواند دخیل باشد چهار دیدگاه حاکم است و عبارت است از:

دیدگاه اول: دیدگاه طرفداران در تسلسل (دایره خبیثه فقر) که در اقتصاد به آن دیدگاه مدرنیزه نیز می‌گویند، طرفداران این دیدگاه طیفی از اقتصاددانان هستند که توسعه نیافتگی را نتیجه عوامل داخلی و وجود دایره خبیثه فقر می‌دانند و آنان معتقدند که در این کشورها فقر وجود دارد. در واقع فقر باعث گردید، که میزان سرمایه‌گذاری پایین باشد و پایین بودن سرمایه‌گذاری باعث خواهد شد که اشتغال پایین باشد و پایین بودن اشتغال نیز موجب کم بودن درآمد زائی خواهد شد.

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران..... ۱۱۱
 (خطیبی، ۱۳۷۱، صص ۱۵ - ۱۶). به طوری که متغیرهای زیاد اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که فقر روستایی و به تبع توسعه نیافتگی روستایی را گسترش می‌دهد از جمله آن عدم دسترسی به زمین، رشد جمعیت، نرخ تورم، نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی، نرخ با سواد و سایر عوامل دیگر می‌باشد. ولی عمده عوامل اقتصادی که نقش اساسی در گسترش فقر به صورت مستقیم و غیر مستقیم دارد شامل دیاگرام زیر است (رضوی، ۱۳۸۲، صص ۳۸ - ۷۶).



و یا مطالعاتی که در سالهای اخیر در مورد فقر از جمله فقر روستایی در ایران انجام شده است و دلیل نسبی بودن مفهوم فقر معیارهای مختلفی را برای آن معرفی کرده اند. به همین دلیل تخمینهای متفاوتی از فقر وجود دارد. خوشبینانه‌ترین برآورد که توسط سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است، ۲۶/۲ درصد از روستاییان را زیر خط فقر به حساب می‌آورد. بنابراین هنوز گروه زیادی از روستاییان در فقر بسر می‌برند (حاجعلی فرد، ۱۳۷۵، ص ۵۷).

متأسفانه بررسی توزیع درآمد در روستاهای ایران نشانگر این واقعیت است که وضعیت توزیع درآمد در روستا در مقایسه با توزیع درآمد در شهرها از وضعیت نامتعادل‌تری برخوردار است.

بطوریکه متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۷۹ برابر ۲۲۳۸۸۰۰۰ ریال و یک خانوار روستایی برابر ۱۳۰۴۷۰۰۰ ریال می باشد. (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۵۶) و علیرغم اینکه برنامه های مختلف اقتصادی و اجتماعی که در زمینه توسعه روستایی در داخل کشور اجرا و انجام گرفته است، هنوز نتوانسته است روستائیان را از فقر و بدبختی نجات دهد، و شکاف فقر در استانها مختلف کشور در سال ۱۳۷۹ در بین گروههای مختلف شغلی روستایی از شدت بالایی برخوردار بوده است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴).

دیدگاه دوم: دیدگاه طرفداران این عقیده که استعمار و امپریالیسم را عامل عقب ماندگی و عقب نگهداشتن کشورها می دانند و اصطلاح عقب نگهداشته را به کار می برند. این نظریه بیشتر توسط جامعه شناسان و اقتصاددانان بلوک شرق مطرح گردیده است. از نظر طیفی از اقتصاددانان، امپریالیسم به عنوان عامل توسعه نیافتگی مطرح شده است. به عبارتی آنان توسعه نیافتگی را از تئوری امپریالیسم تجزیه و تحلیل می کنند در واقع عواملی خارجی را در توسعه نیافتگی دخیل می دانند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۶، صص ۳۰ و ۲۴۴-۲۴۵) و توسعه نیافتگی روستایی را نیز با عنایت به دیدگاه مذکور جریانات تاریخی می دانند، بطوری که حکام استعمارگر بجای استفاده از این نظام سکونت انسانی به عنوان پایه ایجاد یک جامعه شهری- صنعتی، سیاستهایی را در پیش گرفتند که منجر به بروز شکاف عمیقی میان مناطق روستایی و شهری گردید. چرخهای فعالیت صنعتی سکونتگاههای روستایی متوقف گردیدند تا رقیب و مانعی در مقابل کالاهای اروپایی نباشند. این امر موجب افزایش فشار جمعیت بر روی زمینهای کشاورزی گردید. در این خصوص باید این واقعیت را در نظر داشت در دورانی که اروپائیان در گروههای بزرگ موطن اصلی خود را ترک می گفتند تا در آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، استرالیا و حتی در آسیا و آفریقا سکونت گزینند، مردم بومی و آسیا صنایع خود را از دست می دادند و به اجبار به سوی منابع طبیعی و زمینهای که بیش از حد استفاده شده و کم بازده هستند جذب می شدند، در آفریقا و آمریکای لاتین نیز این موضوع تا حدی بروز نمود و بیشتر مردم بومی حق مالکیت زمینهایشان را از دست دادند (میسرا، ۱۳۶۶، ص ۱۸ و ۱۹).

دیدگاه سوم: این دیدگاه علل توسعه نیافتگی کشورهای توسعه نیافته را تئوری وابستگی می داند و معتقدند کشورهای توسعه یافته تمام مواد اولیه و خام کشورهای توسعه یافته را به کشورهای خود برده در عوض محصولات خود را به این کشورها عرضه داشته و صنعت کشورهای توسعه نیافته را

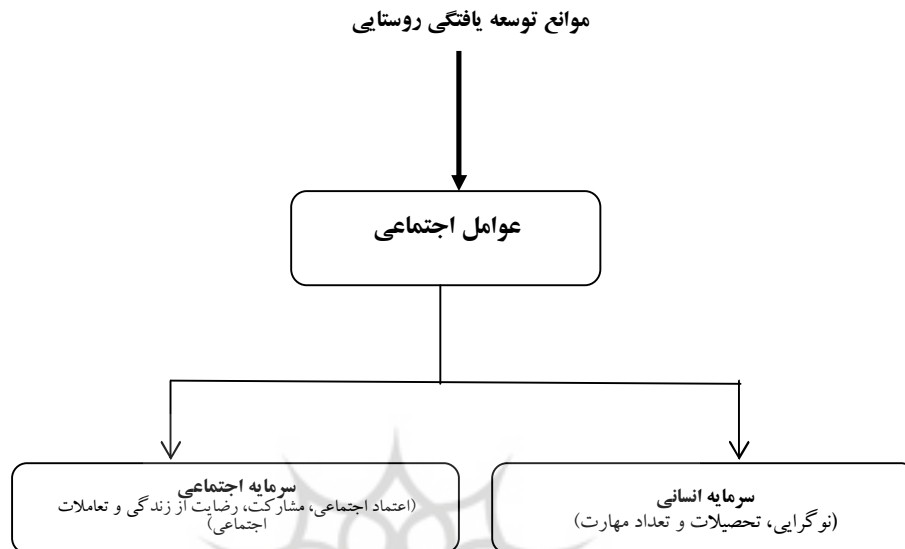
نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران..... ۱۱۳

به خودشان وابسته ساخته‌اند (هاشمی گیلانی، ۱۳۶۹، صص ۷۴ - ۷۵). بر اساس بررسیهای صورت گرفته اکثر کشورهای در حال توسعه وابسته به تجارت خارجی هستند. اصولاً بخش صادرات و واردات بخش عمده‌ای از درآمد ملی این کشورها را ایجاد می‌کند (قره باغان، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

دیدگاه چهارم: این نظریه را مطرح می‌کند که توسعه نیافتگی نتیجه عوامل داخلی و خارجی، می‌باشد (لهسایی زاده، ۱۳۸۱، صص ۵۴-۵۵) که این دیدگاه نزدیکترین دیدگاه برای مقاله حاضر می‌باشد به دلیل اینکه این دیدگاه علاوه بر بررسی سایر شاخصها، سؤال اساسی این مقاله را که آیا عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی تاثیر دارد را هم می‌تواند مورد بررسی قرار دهد به طوری که صاحب نظران توسعه روستای معتقد هستند مشارکت به عنوان یکی از متغیرهای اصلی عوامل اجتماعی نقش مهمی در توسعه روستایی دارد که متأسفانه در جامعه روستایی ایران در سطح کلان بسط سازی لازم برای تحقق مشارکت سازمان یافته مؤثر که مستلزم توانمندسازی روستاییان، نجات آنها از وابستگی به دولت، تقویت خودتکایی در آنها و مشارکت دادن آنها در سطوح مختلف مشارکتی و تغییر لازم در ویژگیهای شخصیتی‌شان، تقویت روابط بین فردی، تمرکززدایی و... است صورت نگرفته است (غفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۸۲) و یا نارساییهای که در نظام مدیریت و اداره امور روستاها در ایران وجود دارد متأسفانه هنوز یک ساختار منسجم مدیریتی علیرغم چندین سال برنامه ریزی توسعه‌ای روستایی صورت نگرفته است و امور روستاها هر از چند گاهی از نظر مدیریتی دچار تغییر و تحول جلدی می‌گردد (طالب، ۱۳۷۶، صص ۲۳۶ - ۲۳۷).

مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به دیدگاههای که مورد بحث و بررسی قرار گرفت عوامل متعددی در رابطه با موانع توسعه یافتگی روستایی دخالت دارد و مدلی را که بتوان به صورت کامل برای آن مطرح ساخت وجود ندارد، لذا مدل زیر را به عنوان مدل تحلیلی پژوهش با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، جامعه مورد مطالعه و با استفاده از دانش و تجربیات و تحقیقات صورت گرفته محققین واستنباطی که بتواند با مسئله تحقیق سازگاری داشته باشد، مطرح ساخته است.



روش تحقیق

ابتدا از میان جامعه ی آماری ۳۰۲ خانوار بخش کرفتو دیواندره با استفاده از فرمول انتخاب جامعه نمونه: $n = \frac{N \cdot Z^2 \cdot p \cdot q}{E^2}$ (حجازی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷) از سه دهستان (اوباتو، کانی شیرین، زرینه) شش روستا به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شده اند. سپس ۶ روستای منتخب ربا روش مدل اسکالوگرام تحت عنوان روستاهای توسعه بالا، توسعه متوسط و توسعه پایین دسته بندی گردیده است. سپس داده های مورد نیاز به طریق اسنادی و عملیات پیمایشی جمع آوری شده است. در برخی موارد از مصاحبه نیز بهره جسته ایم.

بنا به ماهیت موضوع و نوع داده ها از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی برای آزمون فرضیات استفاده شده است.

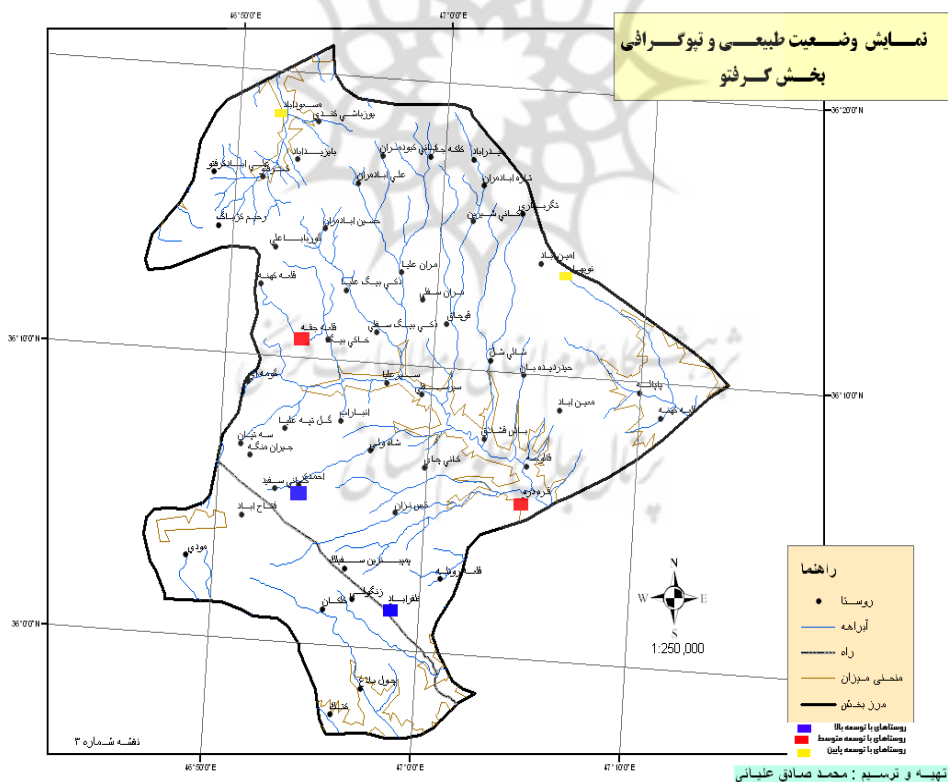
ویژگیها و موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

وجه تسمیه کرفتو به خاطر قرار گرفتن غار بزرگ و باستانی کرفتو و انتخاب آن به عنوان معرفی بیشتر این آثار باستانی و عجایب ساخته دست بشر به ایران و سایر نقاط دنیا است. وجه تسمیه زرینه به خاطر طبیعت زیبا و معادنی که مثل زر و گوهر جذابیت و لطافت دارد انتخاب شده است (فرمانداری شهرستان دیواندره ۱۳۸۵)

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران.....۱۱۵

از آنجایی که بخش کرفتو جز یکی از سه بخش دیواندره محسوب می‌گردد و از تمام جنبه‌های اداری وابسته به شهرستان مذکور بوده ولی در سال ۱۳۸۴ زرينه که یک روستا بوده تبدیل به شهر گردیده و در حال حاضر مرکز بخش کرفتو زرينه می‌باشد. ولی به دلیل نوپا بودن هنوز از بلوغ شهری برخوردار نیست و کاملاً سیمای روستایی دارد و از نظر اداری نیز ادارات و مراکز آموزشی و درمانی به صورت محدود در آنجا وجود دارد.

و بیشتر مراکز در شهرستان دیواندره استقرار یافته و مردم معمولاً جهت انجام کارهای خود به شهرستان دیواندره مراجعه می‌کنند. این بخش تعداد ۵۴ روستا، سه دهستان و ۲۰۵۵۵ نفر جمعیت دارد. از نظر موقعیت جغرافیایی جزء مناطق کوهستانی بوده و عمده شغل ساکنان منطقه مذکور کشاورزی و دامداری می‌باشد و در مدار جغرافیایی ۴۷ درجه ۲ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه عرض شمالی قرار دارد (آمارنامه استان کردستان، ۱۳۷۷، ص ۲۲). (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).



تجزیه تحلیل داده ها و آزمون فرضیه

مشارکت

مشارکت در این رساله از ترکیب چهار متغیر شامل مسئولیت پذیری، عدم مشارکت، نفع رسانی برای جامعه، همکاری با ادارات برای سازندگی و همچنین دعوت از همسایگان برای کارهای جمعی مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است که در جدول زیر ماتریس همبستگی این چهار متغیر آورده شده است.

جدول شماره (۱) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده مشارکت

متغیرها	مسئولیت پذیری	عدم نفع رسانی برای جامعه	همکاری با ادارات برای سازندگی	دعوت از همسایگان برای مشارکت در کارهای جمعی
مسئولیت پذیری	۱	۰/۸۷ /۰۰۰	۰/۷ /۰۰۰	۰/۷۹ /۰۰۰
عدم نفع رسانی برای جامعه	۰/۸۷ /۰۰۰	۱	۰/۷۸ /۰۰۰	۰/۸۸ /۰۰۰
همکاری با ادارات برای سازندگی	۰/۷ /۰۰۰	۰/۷۸ /۰۰۰	۱	۰/۸۱ /۰۰۰
دعوت از همسایگان برای مشارکت در کارهای جمعی	۰/۷۹ /۰۰۰	۰/۸۸ /۰۰۰	۰/۸۱ /۰۰۰	۱

آمارهای جدول شماره (۱) نشان می دهد که تمام متغیرهای سازنده نوگرایی با یکدیگر دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشند در ضمن مقدار آلفای کرونباخ این چهار متغیر که سازنده متغیر مشارکت برابر ۰/۹۵ می باشد که نشانگر سازگاری درونی این مقیاس می باشد.

نوگرایی

نوگرایی در این رساله از ترکیب چهار متغیر شامل پذیرش شیوه های جدید زندگی در روستا، مقاومت در مقابل پذیرش شیوه های جدید زندگی در روستا، عدم تغییر در مقابل شیوه های جدید زندگی در روستا و عدم پیشقدم شدن در پذیرش الگوهای جدید زندگی در روستا مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است که در جدول شماره (۲) نوگرایی ماتریس همبستگی این چهار متغیر آورده شده است .

جدول شماره (۲) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده نوگرایی

متغیرها	پذیرش شیوه های جدید	مقاومت در مقابل شیوه های جدید	مقاومت در مقابل تغییر	عدم پیشقدم شدن در مقابل شیوه های جدید
پذیرش شیوه های جدید	۱ -	۰/۷۶ ۰/۰۰۰	۰/۹۳ ۰/۰۰۰	۰/۹۱ ۰/۰۰۰
مقاومت و تقابل شیوه های جدید	۰/۷۶ ۰/۰۰۰	۰ -	۰/۷۳ ۰/۰۰۰	۰/۹۴ ۰/۰۰۰
مقاومت در مقابل تغییر	۰/۹۳ ۰/۰۰۰	۰/۷۳ ۰/۰۰۰	۱ -	۰/۹۱ ۰/۰۰۰
عدم پیشقدم در مقابل شیوه های جدید	۰/۹۱ ۰/۰۰۰	۰/۹۴ ۰/۰۰۰	۰/۹۱ ۰/۰۰۰	۱ -

آمارهای جدول شماره (۲) نشان می دهد که تمام متغیرهای سازنده نوگرایی با یکدیگر دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشند در ضمن مقدار آلفای کرونباخ این چهار متغیر که سازنده متغیر نوگرایی است برابر ۰/۹۶ می باشد که نشانگر سازگاری درونی این مقیاس می باشد.

اعتماد نهادی

اعتماد نهادی در این رساله از ترکیب پنج متغیر در ارتباط با نظر روستاییان مربوط به تسلط مسئولین به مشاغلشان، پارتی بازی مامورین دولتی، عدم توجه مامورین دولتی به حرفهای ارباب رجوع، توجه مامورین دولتی فقط به اطرافیان و همچنین میزان تامین نیازهای روستاییان با برنامه های اجرا شده توسط دولت مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است که در جدول (۳) ماتریس همبستگی این پنج متغیر آورده شده است.

جدول شماره (۳) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده اعتمادی نهادی

متغیرها	میزان تسلط مسئولین به مشاغلشان	میزان پارتی بازی مامورین دولتی	توجه مامورین دولتی به حرفه‌های ارباب رجوع	توجه مامورین دولتی به اطرافیان خود	تامین نیاز روستاییان با برنامه های اجرایشده توسط دولت
میزان تسلط مسئولین به مشاغلشان	۱	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۹۶	۰/۱۹
میزان پارتی بازی مامورین دولتی	-	۱	۰/۸	۰/۸۸	۰/۲۵
توجه مامورین دولتی به حرفه‌های ارباب رجوع	۰/۸۵	-	۱	۰/۹۲	۰/۴۲
توجه مامورین دولتی به اطرافیان خود	۰/۸۶	۰/۸	۰/۸۸	۱	۰/۲۵
تامین نیاز روستاییان با برنامه های اجرایشده توسط دولت	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۹۲	۱

آماره‌های جدول شماره (۳) نشان می دهد که تمام متغیرهای سازنده اعتماد نهادی با یکدیگر دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشند در ضمن مقدار آلفای کرونباخ این چهار متغیر که سازنده اعتماد نهادی برابر ۰/۸۹ می باشد که نشانگر سازگاری درونی این مقیاس می باشد.

رضایت از زندگی

رضایت از زندگی در این رساله از ترکیب دو متغیر رضایت از شغل و رضایت از زندگی در روستا مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است که در جدول زیر ماتریس همبستگی این دو متغیر آورده شده است .

جدول شماره (۴) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده رضایت از زندگی

متغیرها	رضایت از زندگی در روستا	رضایت از شغل
رضایت از زندگی در روستا	۱	۰/۸۲
رضایت از شغل	۰/۸۲	۱

آماره‌های جدول شماره (۴) نشان می دهد که تمامی متغیرهای سازنده رضایت از زندگی با یکدیگر دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد.

سرمایه انسانی

سرمایه انسانی در این رساله از ترکیب سه متغیر نوگرایی، تحصیلات و تعداد مهارت افراد مورد مطالعه مورد سنجش قرار گرفته است در جدول شماره (۵) زیر ماتریس همبستگی این سه متغیر آورده شده است.

جدول شماره (۵) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده سرمایه انسانی

متغیرها	نوگرایی	تحصیلات	تعداد مهارت
نوگرایی	۱	۰/۳۷	۰/۶۲
	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۳۷	۱	۰/۳۳
	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰
تعداد مهارت	۰/۶۲	۰/۳۳	۱
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-

آماره‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای سازنده سرمایه انسانی با یکدیگر دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند. در ضمن مقدار آلفای کرونباخ این سه متغیر که سازنده متغیر سرمایه انسانی هستند برابر با ۰/۷ می‌باشد که نشانگر سازگاری درونی این مقیاس می‌باشد.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در این رساله از ترکیب متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت، رضایت از زندگی و تعاملات اجتماعی ساخته شده است.

جدول شماره (۶) ماتریس همبستگی بین متغیرهای سازنده سرمایه اجتماعی

متغیرها	اعتماد اجتماعی	مشارکت	رضایت از زندگی	تعاملات اجتماعی
اعتماد اجتماعی	۱	۰/۵۵	۰/۹۴	۰/۸۴
	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۵۵	۱	۰/۵۴	۰/۳۶
	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	۰/۹۴	۰/۵۴	۱	۰/۷۳
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-	۰/۰۰۰
تعاملات اجتماعی	۰/۸۴	۰/۳۶	۰/۷۳	۱
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-

همبستگی جدول بالا نشان می دهند که همه آنها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند و آلفای کرونباخ آنان برابر با ۰/۷۱ می باشد.

آزمون فرضیه

فرضیه: به نظر می رسد بین عوامل اجتماعی و توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به مدل تحلیلی این رساله که فرضیه های تحقیق از آن مستخرج شده اند عوامل اجتماعی که به عنوان عامل توسعه نیافتگی در نظر گرفته شده اند به دو عامل پایین بودن سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی تقلیل پیدا کرده اند در نتیجه در ذیل این فرضیه دوفرضیه جزئی قابل طرح هستند که عبارتند از:

۱. بین سرمایه اجتماعی و توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی داری وجود دارد
۲. بین سرمایه انسانی و توسعه نیافتگی روستایی رابطه معنی داری وجود دارد
۳. با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بر اساس مطالب مطرح شده در بخش پیشین در قالب ترکیبی از متغیرها در سطح سنجش فاصله ای اندازه گیری شده اند و نیز متغیر توسعه نیافتگی از طریق دسته بندی روستاها در سه سطح با توسعه پایین، متوسط و بالا بر مبنای مجموعه-هایی از شاخصها و امکانات توسعه ای روستاها انجام شده است. در نتیجه برای آزمون فرضیه های بالا از تکنیک آماری مقایسه میانگین ها و آنالیز واریانس استفاده شده است. که نتایج آن در جدول شماره (۷) آورده شده است.

جدول شماره (۷) مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی و انسانی بر حسب سطح توسعه روستاها

متغیرها روستاها	سرمایه اجتماعی		سرمایه انسانی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
با توسعه پایین	۳۰/۶	۵۸۹/۰	۶	۳
با توسعه متوسط	۴۰/۳۸	۴/۴۱	۱۰	۱/۲
با توسعه بالا	۵۲/۵۳	۴/۲	۲۱	۵/۲
کل	۴۲/۴۳	۹/۱۶	۱۳/۱۴	۶/۹
مقدار F	۳۹۲/۶۴		۲۵۱/۴۴	
سطح معناداری	/۰۰۰		/۰۰۰	
آماره اتا	/۹		/۸۷	

بر اساس جدول شماره (۷) مذکور میانگین سرمایه اجتماعی در روستاهای با توسعه پایین ۳۰/۶ و برای روستاهای با توسعه متوسط ۴۰/۳۸ و برای روستاهای با توسعه بالا ۵۲/۵۳ است تفاوت بین

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران..... ۱۲۱

میانگین ها نیز باتوجه به مقدار F حاصل شده و سطح معناداری تفاوت معناداری می باشد و مقدار پیوستگی بین عوامل اجتماعی و سطح توسعه روستاها باتوجه به مقدار آماره $t_{0.9}$ می باشد. در نتیجه این فرضیه که بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه روستاها رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می گیرد. بدان معنا که روستاهای با توسعه پایین در قیاس با روستاهای با توسعه متوسط و بالا از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردار هستند.

در ارتباط با سرمایه انسانی نیز براساس بررسیهای صورت گرفته در جدول مذکور نشان می دهد میانگین سرمایه انسانی برای روستاهای باتوسعه پایین برابر با ۶ و برای روستاهای باتوسعه متوسط ۱۰ و برای روستاهای باتوسعه بالا ۲۱ می باشد. ملاحظه می شود که این سه دسته روستا به لحاظ سرمایه انسانی تفاوت در میانگین وجود دارد، این تفاوت به لحاظ آماری باتوجه به مقدار F حاصل شده است و سطح معناداری تفاوت معناداری می باشد. بنابراین سرمایه انسانی و سطح توسعه روستاها پیوستگی معناداری وجود دارد و مقدار این پیوستگی باتوجه به آماره $t_{0.87}$ برابر ۰/۸۷ است در نتیجه این فرضیه تحقیق که بین سرمایه انسانی و سطح توسعه روستاها رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می گیرد.

به این ترتیب براساس نتایج محاسبات انجام گرفته نتیجه می گیریم هر میزان از نظر توسعه انسانی و توسعه اجتماعی در روستاها پیشرفت حاصل گردد در روند توسعه آن روستاها کمک موثری خواهد نمود و در هر میزان سطح توسعه اجتماعی و انسانی در روستاها کمتر باشد به همان میزان نیز مانع پیشرفت توسعه روستایی خواهد شد لذا برای اینکه بتوانیم به پیشرفت توسعه روستایی کمک کنیم می بایست به مسائل اجتماعی و انسانی روستاها توجه بیشتری صورت گیرد.

نتیجه گیری

با توجه به شرح مطالب که گذشت عمده مشکلات و موانع توسعه روستایی صرفا با تامین اعتبار قابل حل نیست بلکه برنامه های توسعه روستایی باید جامعه نگر باشد که متاسفانه برنامه هایی توسعه روستایی در دو مقطع زمانی قبل وبعد از انقلاب جامع نگر نبودند بلکه برنامه ها براساس موقعیت زمانی بوده در هر مقطع زمان هیچ یک از برنامه ها نتوانسته است از موفقیت لازم برخوردار گردد. از جمله مواردی که در این تحقیق بر اساس فرضیه های تحقیق نیز به اثبات رسیده است می توان در بخش مشکلات اجتماعی به مواردی از قبیل فقدان مشارکت نهادینه مردم در فرآیند توسعه روستایی در واقع نقش مردم در برنامه نادیده گرفته می شود. ۲- ذهنیت وابستگی

روستاییان به تصمیم گیری های بیرونی، ضعف مهارت های رهبری و سازماندهی در میان روستاییان ۳- پایین بودن اعتماد به نفس روستاییان برای تصمیم گیری های اساسی ۴- مهاجرت بی رویه روستاییان بالاخص جوانان و تولیدکنندگان و نخبگان روستایی در واقع تخلیه روستاها از نخبه ها ۵- پوشش بسیار ضعیف نظام تامین اجتماعی و خدمات رفاهی و پوشش های بیمه ای در مناطق روستایی ۶- تشدید بیکاری دایمی و فصلی در روستاهای کشور ۷- نقصان در نهادسازی در مناطق روستایی و عدم شکل گیری مدیریت مشارکتی کارآمد ۸- دوگانگی و عدم تعادل در ساختار اقتصادی بین شهر و روستا و توزیع نامتعادل امکانات زندگی و درآمد میان روستاییان و شهرنشینان ۹- فقدان یک نظام مطلوب مدیریت توسعه روستایی در سطح ملی، منطقه ای و محلی (سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی در اجرا، نظارت و ارزشیابی) ۱۱- عدم یکپارچگی و انسجام در برنامه ها و اقدامات اجرایی سازمان های مختلف در مناطق روستایی اشاره کرد. بنابراین اگر چنانکه معتقد هستیم توسعه همه جانبه روستایی صورت گیرد باید نقش مردم را در برنامه هایی توسعه روستایی جدی بگیریم زیرا غیبت مردم در برنامه ها یعنی عدم تحقق برنامه هایی توسعه روستایی که در تحقیق حاضر نیز نشان داده شده است هر میزان روستا توسعه یافته تر بوده به همان میزان نیز مشارکت و حضور مردم در برنامه های توسعه روستایی بیشتر بوده است و بالعکس آن نیز صادق بوده یعنی هر میزان روستاها از توسعه پایین بر خوردار بوده مشارکت مردم نیز در برنامه های توسعه روستایی کمتر بوده است.

منابع

۱. از کیا، مصطفی؛ و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان،
۲. استانداری کردستان (۱۳۷۷). آمارنامه استان کردستان سال ۱۳۷۷. [سندج]: انتشارات استانداری کردستان،
۳. افتخاریان مهابادی، داود (۱۳۷۳). "بررسی مسائل توسعه روستایی شهرستان اردستان". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشکده دانشگاه اصفهان.
۴. باتملی، ترور (۲۰۰۳). **موسسات کشاورز - محور برای توسعه کشاورزی فعالیت تعاونی ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی**. ترجمه علی کمالی [...و دیگران] تهران: انتشارات روستا و توسعه شماره ۴۷
۵. جوادی زارع، مقصود (۱۳۷۶). "بررسی و طراحی نظام خدمات رسانی روستایی شهرستان اردبیل". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. حاجلی فرد، حسن (۱۳۷۵). "اندازه گیری فقر و شناسایی ویژگیهای خانوارهای زیر خط فقر". مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر.

نقش عوامل اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی ایران..... ۱۲۳

۷. حجازی، الهه و همکاران (۱۳۸۰). **روشهای تحقیق در علوم رفتاری**. تهران: انتشارات آگاه،
۸. خطیبی، محمدعلی (۱۳۷۱). **اقتصاد و توسعه**. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران،
۹. دیاس، هیران دی [و.دیگران] (۱۹۸۳). **درسنامه برنامه ریزی توسعه روستایی**. تهران: انتشارات روستا و توسعه شماره ۱
۱۰. راسخی، بهروز (۱۳۸۲). "بررسی جایگاه توسعه روستایی در برنامه‌های توسعه کشور". مجموعه خلاصه مقاله‌های کنگره توسعه روستایی چالش‌ها و چشم‌اندازها انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران
۱۱. رضایی سرتشنیزی، پرمان (۱۳۸۲). "ارزیابی جایگاه توسعه و عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی قبل و بعد از انقلاب". مجموعه خلاصه مقاله کنگره توسعه روستایی چالشها و چشم‌اندازها انتشارات توسعه روستایی ایران
۱۲. رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۳). **مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران**. تهران: نشر قومس،
۱۳. رضوی، سید حسن (۱۳۸۲). **روستا فقر، توسعه. مجله روستا و توسعه شماره ۵۲**
۱۴. روکس برو، یان (۱۳۷۰). **جامعه شناسی توسعه، نظریه‌های توسعه نیافتگی**. ترجمه مصطفی از کیا. تهران: انتشارات نشر توسعه،
۱۵. سلیمانی تبار، مریم (۱۳۸۲). "بررسی ساختار فضایی و تحلیل شاخصهای توسعه روستایی در شهرستان بردسیر". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۴). **مبانی جغرافیای روستایی**. تهران انتشارات سازمان سمت،
۱۷. شریف زادگان، محمدحسین (۱۳۸۲). **چالشهای برنامه‌ریزی و علل کاهش اثربخشی طرحهای توسعه در ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال یازدهم شماره ۴۳ و ۴۴**
۱۸. طالب، مهدی (۱۳۸۴). **جامعه شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۹. _____ (۱۳۷۶). **مدیریت روستایی در ایران**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
۲۰. عرب مازار، عباس [و.دیگران] (۱۳۸۳). **برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۴۵**
۲۱. قره باغیان، مرتضی (۱۳۸۶). **اقتصاد رشد و توسعه جلد اول**. چاپ هشتم. تهران: نشر نی،
۲۲. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۲). **جامعه شناسی توسعه**. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور،
۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). **سرشماری عمومی نفوس مسکن ۱۳۸۵ نتایج تفصیلی استان کردستان**.
۲۴. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). **برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران**. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد،
۲۵. مولایی هاشجین، نصراله (۱۳۸۶). **تحلیلی پیرامون الزامات بازنگری در سیاست‌های برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. مجله فضای جغرافیایی**. سال هفتم، شماره ۷.

۱۲۴.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

۲۶. میسرا، آرپی (۱۳۶۶). توسعه روستایی، مسائل و مشکلات. **گازنامه روستا و توسعه** شماره اول انتشارات مرکز

تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی

۲۷. هاشمی گیلانی، علی (۱۳۶۹). **نظریه‌های توسعه نیافتگی**. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی